

نقش حاکمیت شرکتی در مدیریت ذی‌نفعان در شبکه بانکی ایران

ماندانا طاهری و یاسین امینی

چکیده

حاکمیت شرکتی همسویی منافع بین مدیران و سهامداران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. بر این اساس چهار اصل شامل انصاف، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری معرف حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران و حفاظت از منافع سهامداران است. اخیراً و مبتنی بر متون اسلامی هدف حاکمیت شرکتی مبتنی بر رعایت حقوق تمامی ذی‌نفعان و رعایت اصولی توازن بین حقوق برابر سهامداران و سایر ذی‌نفعان مطرح است. بر این اساس و با توجه به آنکه بانک‌های ایران مبتنی بر شریعت اسلامی فعالیت می‌کنند، سطح استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران یا ذی‌نفعان در این مقاله مورد توجه قرار گرفت و با استفاده از پرسشنامه و آزمون مقایسه میانگین چند جامعه سطح استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران یا ذی‌نفعان در گروه بانک‌های دولتی، بانک‌های خصوصی و موسسات مالی و اعتباری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. پرسشنامه‌های بررسی شده در این مقاله با مطالعه ادبیات مساله و منطبق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی طراحی و معیارها و زیر معیارهای تشکیل مدل بدست آمد. نتایج این بررسی حاکی از آن است که بانک‌های خصوصی در مقایسه با بانک‌های دولتی و موسسات مالی و اعتباری وضع مطلوب‌تری در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی داشته و بانک‌های خصوصی در سطح ذی‌نفعان اصول حاکمیت شرکتی را پیاده نموده و این در حالی است که سطح پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در بانک‌های دولتی و موسسات مالی و اعتباری در سطح سهامداران است. واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، مدیریت ذی‌نفعان، آزمون مقایسه میانگین چند جامعه

مقدمه

حاکمیت شرکتی سیستمی است که سازمان به‌وسیله آن کنترل و اداره می‌شود. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۱۹۹۹ حاکمیت شرکتی را تخصیص حقوق و مسئولیت‌پذیری در میان گروه‌های متفاوت در شرکت همچون هیات مدیره، مدیران، سهامداران و سایر ذی‌نفعان معرفی کرده است. همچنین در سال ۲۰۰۴ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ (OECD) اصول حاکمیت شرکتی را مبتنی بر مفاهیم مدیریت ذی‌نفعان و رابطه مدیر با ذی‌نفع در شش حوزه شامل تأمین مبنا برای چارچوب مؤثر حاکمیت شرکتی، حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی مالکیتی، رفتار یکسان با ذی‌نفعان، نقش ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی، افشاء و شفافیت و مسئولیت‌های هیأت مدیره، شامل کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و سایر موارد بیان نموده است. حاکمیت شرکتی را می‌توان رابطه مدیران با سهامداران دانست که مبنای نظری آن "تئوری نمایندگی" در شکل محدود خود است و یا آن را در نگرشی وسیع، رابطه شرکت با تمام ذی‌نفعان دید که پشتوانه نظری آن را می‌توان "تئوری

¹ Organization for Economic Cooperation and Development

ذی‌نفعان" دانست. سایر تعاریف و نگرش‌های موجود در خصوص حاکمیت شرکتی درون طیفی میان این دو دیدگاه قرار می‌گیرد (بدری، ۱۳۸۷).

شلیفر و ویشنی^۲ (۱۹۹۷) معتقد بودند که حاکمیت شرکتی مؤثر از طریق یک چارچوب قانونی پیشرفته و بازار سرمایه فعال و یا از طریق مالکیت متمرکز ایجاد می‌شود. از سوی دیگر حاکمیت شرکتی اثربخش یک عامل بنیادی در فرآیند بازسازی اقتصادهای در حال توسعه است. این سیستم با تطبیق دادن و تنظیم کردن تضاد منافع و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه و متقابلانه عملکرد شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد، کیفیت اطلاعات موجود برای مشارکت کنندگان در بازار سرمایه ارتقا داده و دستیابی به سرمایه خارجی را تسهیل می‌کند^۳ (پیستور و سایرین^۴، ۲۰۰۰). به عبارتی هیأتی از مدیران، مسئولیت حاکمیت شرکتی را بر عهده دارند و باتوجه به جدایی مالکیت از مدیریت و اهداف متفاوت آن‌ها، مسأله تضاد منافع مطرح است.

بنابراین حاکمیت شرکتی به عنوان راهکاری برای ایجاد کنترل و برقراری توازن بین منافع مدیران و سهامداران، کاهش هزینه‌های نمایندگی، مقابله با سود و ایجاد ارزش برای شرکت‌ها تعریف می‌شود (سلیمانی و مقدسی، ۱۳۹۳). یکی از راه‌های کاهش مشکلات نمایندگی، پیاده‌سازی سازوکارهای مناسب حاکمیت شرکتی در واحد تجاری است. به عبارتی هزینه‌های نمایندگی سرآغاز شکل‌گیری حاکمیت شرکتی است و آن با حفظ تعادل در بین اهداف اجتماعی، اقتصادی، فردی و جمعی به استفاده کارآمد از منابع و پاسخگویی سازمان‌ها کمک می‌کند. مهمترین هدف حاکمیت شرکتی همسویی منافع بین مدیران و سهامداران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. پاسخگویی، شفافیت و حمایت از حقوق ذی‌نفعان از نشانه‌های یک نظام حاکمیتی کارآمد است (مجته‌زاده و اثنی‌عشری، ۱۳۹۱). هدف حاکمیت شرکتی رعایت اصولی است که توازن بین آزادی مدیریت و پاسخگویی و رعایت حقوق ذی‌نفعان را برقرار نماید. علاوه بر آن یکی از زیرساخت‌های ضروری در سازمان برای بهبود فضای کسب و کار، شفافیت فعالیت‌های اقتصادی و پاسخگویی مدیران در سازمان‌ها و واحدهای تجاری استقرار یافته است.

بنابراین بررسی ارتباط بین استقرار حاکمیت شرکتی و نحوه مدیریت ذی‌نفعان در آن از اهداف اصلی پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در سازمان‌ها است که این مسأله و نحوه چگونگی استقرار و رابطه حاکمیت شرکتی و ذی‌نفعان در شبکه بانکی ایران در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله سعی شده است تا با پرداختن به مباحث حاکمیت شرکتی و چگونگی شکل‌گیری آن، به تبیین رابطه آن مبتنی بر سهامداران یا ذی‌نفعان در شبکه بانکی ایران رسید. به عبارتی ایده این مقاله بر این اساس شکل گرفته است که حاکمیت شرکتی دارای طیفی از پاسخگویی است که در یک سر آن پاسخگویی منحصر به سهامداران و در سر دیگر آن پاسخگویی به ذی‌نفعان شامل گروه‌های متنوعی همچون اعتباردهندگان، کارمندان، مشتریان و جامعه قرار دارد که هر چه از سمت سهامداران به سمت ذی‌نفعان حرکت می‌کنیم، ابعاد پاسخگویی و شفافیت سازمان، گروه‌های بیشتری را شامل می‌شود، اما سوال مطرح آن است که استقرار حاکمیت شرکتی در شبکه بانکی ایران در کدام فاز (سهامداران یا ذی‌نفعان) قرار دارد؟ برای پاسخ به این سوال پرسشنامه‌ای مبتنی بر اصول حاکمیت شرکتی با تاکید بر طیف آن بین ۱۵۰ نفر از مدیران بانکی در سطوح مختلف مدیریتی توزیع گردید. بررسی اولیه ۱۲۹ پرسشنامه قابل استفاده، نشان

^۲ Shleifer and Vishny

^۳ تمام اقتصادهای در حال توسعه، پیشرفت‌های زیادی در بسط چارچوب حاکمیت شرکتی داشته و به سمت انطباق با اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به صورت اختیاری یا اجباری حرکت کرده‌اند. علاوه بر آن اکثر کشورهای توسعه‌یافته همچون آمریکا و انگلیس و دیگر کشورها، همچنان به تقویت سیستم حاکمیت شرکتی خود در بخش‌های مختلف ادامه می‌دهند.

^۴ Pystyr and et al.

می‌دهد که با آلفای کرونباخ ۸۲ درصد پرسشنامه از اعتبار کافی برای آزمون برخوردار است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران با حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان در سه گروه از بانک‌های دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری متفاوت است و علاوه بر آن هر یک از ابعاد حاکمیت شرکتی شامل انصاف، شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌های اجتماعی در گروه بانک‌های بررسی شده، به شیوه و در سطوح مختلفی پیاده‌سازی شده‌اند.

حاکمیت شرکتی و مدیریت ذی‌نفعان

در سال ۱۹۲۹ بحرانی بزرگ در بورس آمریکا پدید آمد که علت اصلی آن، عدم مسئولیت‌پذیری بود. مسئولیت‌پذیری و تفکیک مالکیت از مدیریت توسط آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ مطرح شد و برای اولین بار توسط برل و مینز (۱۹۳۲) تجزیه و تحلیل شد. امروزه این جدایی با نام مشکل «کنندگی» شناخته می‌شود و بدین معنا است که چگونه می‌توان اطمینان داشت که مدیران از آزادی عمل خویش در راستای منافع سرمایه‌گذاران استفاده خواهند کرد. پس از پیدایش مشکلات کنندگی به جهت حفظ منافع عمومی باید اطلاعات مصون‌سازی شده و منافع مدیران و مالکان همسو می‌گردید. از ابزارهای مختلفی در این خصوص شامل کاربرد تئوری اخلاق در حسابداری، ایجاد استانداردهای حسابداری، کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و مستقل، وجود مدیران غیرموظف در هیئت مدیره و به کارگیری رویه‌های بلندمدت پاداش استفاده شد، اما باز هم مشکلات کمتر نشد، بلکه پیچیدگی‌های آن بیشتر شد (حساس یگانه و باغومیان، ۱۳۸۴).

بنابراین، تضاد منافع بین مدیران و صاحبان اصلی شرکت، عدم تقارن اطلاعات، امکان فرصت طلبی و بالا بودن هزینه‌های نظارتی از جمله عواملی هستند که لزوم ایجاد حاکمیت شرکتی را ایجاد می‌کنند و از سوی دیگر با رشد جریان خصوصی‌سازی، تفکیک مالکیت و افزایش سوء استفاده‌های مالی، حاکمیت شرکتی اهمیت ویژه‌ای یافت (کاشف بهرامی، ۱۳۹۲). به عبارتی پس از سقوط بورس سهام وال استریت در سال ۱۹۲۹ و وقوع بحران‌های مالی تعدادی از شرکت‌های بزرگ در سطح جهان از قبیل جنرال موتورز مورد توجه خاصی قرار گرفت و به تدریج کیفیت اداره امور و برقراری سیستم کنترل داخلی و حسابرسی داخلی با انتشار گزارش معروفی به نام کدبری در سال ۱۹۹۲ اهمیت یافت. متعاقباً به دلیل وقوع بحران‌های مالی دیگر در سایر نقاط جهان از جمله بحران کشورهای آسیای شرقی و بحث جهانی شدن و الزام کشورها به متابعت از دستورالعمل‌های سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و بانک جهانی و سایر نهادهای بین‌المللی و نیز افزایش آگاهی کشورها، نسبت به اهمیت استقرار حاکمیت شرکتی صحیح به منظور جذب اعتماد سرمایه‌گذاران و نقش آن در ارتقاء عملکرد اقتصادی کشورها، اولین دستورالعمل جهانی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در خصوص حاکمیت شرکتی در ماه می ۱۹۹۹ منتشر شد و تصویب قانونی به نام «ساربینز اکسلی» در سال ۲۰۰۲ به توسعه و رشد حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی کمک کرد، به گونه‌ای که سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در نهایت اصول حاکمیت شرکتی را در سال ۲۰۰۴ منتشر گردید.

حاکمیت شرکتی بیان می‌کند که چگونه سازمان اداره، هدایت و کنترل می‌شوند و معیارهایی را برای کنترل و هدایت مدیریت تعیین می‌نماید (کرمی و بیک بشرویه، ۱۳۹۰). به عبارتی حاکمیت شرکتی شامل مسئولیت اجتماعی، روش‌های کسب‌وکار اخلاقی، مسائل مربوط به پاسخگویی به ذی‌نفعان و شفافیت کامل نتایج مالی است. همچنین سازوکاری برای نظارت بر عملیات سازمان می‌باشد که با کاهش مشکلات نمایندگی در قراردادها، منافع سهامداران را دربرمی‌گیرد (کاراتاس و اپاتاریو،

۲۰۱۴). در ابتدا حاکمیت شرکتی پدید آمده، مبتنی بر رویکرد متعارف حاکمیت شرکتی و بر اساس عاملیت-کارگزاری^۵ بین مدیران و سهامداران شکل گرفت. ویژگی اصلی این مدل آن بود که سهامداران، وظیفه مدیریت را به مدیران یا کارگزاران خود با فرض حل مساله نمایندگی تفویض نمودند. به عبارتی حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران با سازوکار و توافقاتی در ارتباط است که از طریق آن منافع سهامداران با حل مساله نمایندگی تأمین شود.

بر اساس نظر لیولان^۶ (۲۰۰۱) توافق حاکمیت شرکتی شامل ساختار حقوقی برای ایجاد قدرت سهامداران در رابطه با پاسخگو بودن مدیران، شفافیت ساختارهای سازمان، اختیار قدرت مدیران عامل، توافق حسابرسی داخلی و تعیین مسیرهای پاسخگو بودن مدیران است و مبتنی بر اصول آن ماهیت حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران توانایی ایجاد انگیزه‌هایی برای مدیران و در راستای فعالیت آنها با هدف حداکثرسازی ثروت سهامداران را دارد، اما با شکست‌های رخ داده و بحران‌های پیش‌آمده در بازارهای مالی طی سال‌های اخیر این سؤال مطرح است که حاکمیت شرکتی چگونه می‌تواند بطور مؤثر و مفید از منافع سهامداران حفاظت نماید؟ برای پاسخ به این سؤال حاکمیت شرکتی بر مبنای ذینفعان شکل گرفته است. مبتنی بر حاکمیت شرکتی بر مبنای ذی‌نفعان، از حاکمیت شرکتی و استقرار آن در سازمان برای ایجاد رویه‌های بهتر و کدگذاری اصول مربوط به حاکمیت شرکتی، استفاده شده است و اتفاقاً بر اساس همین مفهوم سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۷ (OECD) در سال ۲۰۰۴ تعریف جدیدی از حاکمیت شرکتی به‌عنوان "مجموعه‌ای از روابط ما بین مدیریت، هیأت مدیره شرکت و سهامداران و ذینفعان دیگر" ارائه کرده است و حاکمیت شرکتی را همچون ساختاری که از طریق آن، اهداف شرکت، مشخص و ابزارهای رسیدن به این اهداف و کنترل نمودن عملکرد نیز معین است، تبیین نموده است.

تایرول^۸ (۱۹۹۹) بیان می‌کند که لحاظ کردن ذینفعان دیگر در کنار سهامداران، امری ضروری است، زیرا تصمیمات مدیریتی نه تنها بر سرمایه‌گذاران، بلکه بر تعدادی از ذینفعان که بطور طبیعی رابطه‌ای لاینفک با سازمان دارند، اثرات جانبی دارد. این امر زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که معمولاً ذینفعان، بموجب اثرات جانبی تصمیمات، بطور نرمال تحت تأثیر قرار می‌گیرند. دونالدسون (۱۹۹۲) سرآغاز روش ذینفعان را نوشته‌های روبرت مرتون^۹ در دهه ۱۹۵۰ می‌داند. مؤسسه تحقیقات استنفورد^{۱۰} نیز در سال ۱۹۶۳ ذینفع را به‌عنوان گروه‌هایی که بدون حمایت آنها سازمان موجودیت خارجی نخواهد داشت، تعریف نموده است. فهرست ذینفعان در این تعریف شامل سهامداران، کارمندان، مشتریان، تأمین‌کنندگان، وام‌دهندگان و جامعه است که در حال حاضر نیز مورد استناد و قابل استفاده است. طرفداران نگرش ذینفعان معتقد هستند که توجه به منافع، نیازها و حقوق چندگانه ذینفعان یک کسب و کار، روش مفیدی برای ایجاد سازوکار مسئولیت‌های اجتماعی در سازمان‌ها است (داوکینز و لویز (۲۰۰۳) و مایگنان و فرل (۲۰۰۴)^{۱۱}).

حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذینفعان، تعریف مسئولیت‌های کسب و کار را وسیع تر می‌کند. این عامل با پذیرش مسئولیت‌های یک شرکت که فراتر از رابطه مبتنی بر مدیریت و سهامدار است، نقش چند وجهی برای سازمان قائل می‌شود. در این دیدگاه، مدیریت خود را مسئول راضی نگه‌داشتن و برطرف کردن تقاضای منافع چندگانه ذینفعان می‌داند. به عبارتی مدیریت سازمان علاوه بر سهامداران، در قبال گروه‌های گوناگون که رابطه مالی مستقیم با آنها دارند از قبیل مصرف‌کنندگان، کارمندان،

⁵ . Principal- Agent

⁶ . Llewellyn

⁷ . Organization for Economic Cooperation and Development

⁸ . Tirole

⁹ . Rebert Merton

¹⁰ . Stanford Research Institute

¹¹ Dawkins & Lewis, Maignan & Ferrell

سهامداران و تأمین‌کنندگان، مسئولیت‌های اجتماعی دارند و هر میزان که طیف به سمت ذی‌نفعان تا سهامداران حرکت کند، دیدگاه بسیار وسیع از تعریف ذینفعان بسط داده می‌شود تا از این طریق جامعه گروه‌های ذینفع، کامل پوشش داده شود. از سوی دیگر مبتنی بر شریعت اسلامی در مباحث مالی و بانکی بر مساله استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان تاکید شده است. اقبال و میرآخور^{۱۲} (۲۰۰۴ و ۲۰۰۳) و اقبال و مولینکس^{۱۳} (۲۰۰۵) ذینفع را مبتنی بر مفاهیم اسلامی فردی معرفی می‌کنند که حقوق دارایی‌های آنها بخاطر اعمال داوطلبانه و غیرداوطلبانه سازمان در معرض خطر است و سازمان علاوه بر حفاظت از حقوق سهامداران باید از حقوق افرادی که در فرآیند کسب درآمد برای سازمان مشارکت دارند و نیز از حقوق افرادی که بموجب فعالیت‌های سازمان برای کسب درآمد، در معرض خطر قرار دارند، محافظت نماید. همچنین آنها معتقدند که هر گروه یا فردی که شرکت با آنها تعهدات عقود تولیدی و آشکار دارد، ذینفع سازمان محسوب می‌شود، حتی اگر عقد رسمی با آنها منعقد نکرده باشد. به عبارتی شریعت اسلامی تأکید یکسانی بر تعهدات ناشی از عقود آشکار و تولیدی دارد. بنابراین سازمان‌های مالی و غیرمالی مبتنی بر شریعت اسلامی ملزم هستند که از طریق قبول و محافظت از حقوق دارایی همه ذینفعان مرتبط (مشتریان، مصرف‌کنندگان، تأمین‌کنندگان، کارکنان و جامعه)، جایگاه عقود آشکار و تولیدی را تحت مفروضات حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان حفظ نمایند.

در یک نگاه کلی حاکمیت شرکتی، شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی می‌شود که سمت و سوی حرکت و عملکرد سازمان را تعیین می‌کند. عناصری که در این صحنه حضور دارند، عبارتند از سهامداران و ساختار مالکیت آنها، اعضای هیأت مدیره، مدیریت شرکت که توسط مدیر عامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذی‌نفعان که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند. موسسه پایداری و مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSRS)^{۱۴} به عنوان یکی از مراجع اصلی حاکمیت شرکتی، اصول حاکمیت شرکتی را شامل انصاف، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری معرفی کرده است که انصاف به برخورد یکسان و با عدالت با تمام سهامداران، شفافیت بر ارائه اطلاعات و در دسترس بودن آن، مسئولیت‌پذیری بر کمیت و کیفیت مسئولیت و تفیض اختیارات و پاسخگویی بر هرگونه پذیرش و اختیار مسئولیت همراه با پاسخگویی اشاره دارد. مبتنی بر این اصول به طراحی مدل حاکمیت شرکتی با هدف مدیریت ذی‌نفعان پرداخته شده است که در این مقاله بررسی شده است.

پیشینه پژوهش

تحقیقات مختلفی در رابطه با ارزیابی حاکمیت شرکتی و جایگاه آن در سازمان‌ها در کشورهای مختلف و در سطح بین‌المللی و داخلی انجام شده است. بلک^{۱۵} و همکاران (۲۰۰۶) در بررسی وضعیت استقرار مطلوب حاکمیت شرکتی در کره جنوبی نشان دادند که حقوق سهامداران، هیأت مدیره، مدیران بیرونی، کمیته حسابرسی و حسابرسان داخلی، افشاء به سرمایه‌گذاران و پراکندگی مالکیت از جمله مولفه‌های موثر در ارزیابی وضعیت حاکمیت شرکتی در کره جنوبی است. ردوپتز^{۱۶} و همکاران (۲۰۰۴) در ارزیابی استقرار حاکمیت شرکتی در شرکت‌های آلمانی مولفه‌های همچون تعهدات حاکمیتی، حقوق سهامداری، شفافیت، موضوعات مدیریتی و نظارت هیأت مدیره و حسابرسی را لحاظ نمودند و گامپرز^{۱۷} و همکاران (۲۰۰۳) در آمریکا ۲۴

¹² . Iqbal and Mirakhor

¹³ . Iqbal and Molyneux

¹⁴ Corporate Social Responsibility & Sustainability

¹⁵ . Black

¹⁶ . Drobetz

¹⁷ . Gompers

عامل مختلف نظیر وجود سهام ممتاز، اصلاحات اساسنامه‌ای، قانون فروش سهام کنترلی، هیات مدیره طبقه‌بندی شده، طرح-های پاداش، قراردادهای مدیران، قانون تحصیل سهام کنترلی، رأی‌گیری تجمعی، وظایف مدیران، محدودیت‌های بدهی مدیران، محدودیت‌های مجامع خاص و حق رأی‌گیری نابرابر را به‌عنوان مولفه‌های ارزیابی وضعیت استقرار حاکمیت شرکتی در سازمان لحاظ نمودند.

تحقیقات مختلف شاخص‌های حاکمیت شرکتی یا مولفه‌های ارزیابی سطح استقرار حاکمیت شرکتی در سازمان را بین ۲ تا ۱۰۰ معیار شناسایی نموده که تعداد و بررسی هر تعداد مولفه به بستر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور بستگی دارد (نمازی و همکاران؛ ۱۳۹۲). در همین ارتباط آبرا (۲۰۰۸) ارزیابی حاکمیت شرکتی و تبیین سطوح مقرراتی آن را در تحقیقی از بعد مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در سازمان و از منظر مسئولیت‌های اجتماعی و تنظیم مقررات داخلی یا مقررات جامع مورد توجه قرار داد و الزامات مقرراتی برای پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مطلوب بر اساس مسئولیت‌های اجتماعی را بررسی نمود. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که چارچوب جدید مسئولیت‌های اجتماعی و مقررات محیطی منجر به مدیریت مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مدیران و بهبود سازوکار حاکمیت شرکتی در سازمان می‌شود.

نکته قابل توجه آن است که عمده این تحقیقات بدون لحاظ نمودن مساله مسئولیت‌های اجتماعی و از بعد ذی‌نفعان به ارزیابی حاکمیت شرکتی در سازمان پرداخته‌اند. به‌عبارتی مولفه‌ها و معیارهای ارزیابی عمدتاً حول محور تئوری نمایندگی و رابطه سازمان با سهامداران و ارزیابی استقرار مطلوب حاکمیت شرکتی از منظر این عوامل مورد توجه قرار گرفته است، اما با ورود مقررات اسلامی و مساله تئوری ذی‌نفعان ابعاد مطلوبیت استقرار حاکمیت شرکتی گسترده گردید و مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی گروه‌های بیشتری را شامل می‌شود. در همین ارتباط سلیمان و جوریه (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان رابطه بین تئوری نمایندگی، تئوری ذی‌نفعان و نظارت شریعت در بانکداری اسلامی، به طرح مسائل و تفاوت‌های بین تئوری نمایندگی و تئوری ذی‌نفعان پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد که بین این دو تئوری در استقرار و تعریف مطلوبیت پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی تفاوت‌های اساسی وجود دارد. یکی از معیارهای بررسی این تفاوت نگاهی است که تئوری ذی‌نفعان به بعد مسئولیت‌های اجتماعی و پیاده‌سازی آن برای استقرار حاکمیت شرکتی مطلوب دارد.

بهادوری و سلارکا^{۱۸} (۲۰۱۶)، در تحقیقی به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مسئولیت اجتماعی پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد که شرکت‌های بزرگ‌تر، با قدمت بیشتر و شرکت‌هایی که بین سهامداران سود تقسیم می‌کنند، تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مسئولیت اجتماعی دارند. هم‌چنین رابطه مثبت و معناداری بین نسبت سهامداران نهادی و مسئولیت اجتماعی وجود دارد. لی‌سان و همکاران (۲۰۱۵)، در تحقیقی به بررسی حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی پرداختند. تفسیر و نتایج این بررسی رابطه مثبت و معنی‌دار بین حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی را اثبات کرد. نتایج نشان داد که بازارهایی که استقرار حاکمیت شرکتی در شرکت‌های آن قوی و مطلوب است، عملکرد مسئولیت اجتماعی بهتری دارند. هم‌چنین حاکمیت خوب نیز به عملکرد مسئولیت اجتماعی خوب منتهی می‌گردد.

رازک^{۱۹} (۲۰۱۴)، در تحقیقی به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های مصری پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که کیفیت حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و ساختار مالکیت بر مسئولیت اجتماعی تاثیرگذار است. ارشد و رازک (۲۰۱۱)، در تحقیقی به بررسی عملکرد اجتماعی شرکت، ساختار مالکیت و

¹⁸ Bhaduri & Selarka

¹⁹ Razek

حاکمیت شرکتی پرداخت. شواهد تجربی نشان می‌دهد که مالکیت متمرکز یک اثر منفی بر عملکرد اجتماعی دارد. سهامدار اصلی میلی به صرف پول در مسئولیت اجتماعی شرکت که می‌تواند به تمامی ذینفعان سود برساند، ندارد. در مقابل، مالکیت پراکنده عملکرد اجتماعی را تقویت می‌نماید که نشان‌دهنده تعهد شدید مدیران به مسئولیت اجتماعی شرکت می‌باشد. این امر به آنها اجازه می‌دهد تا تعارضات میان سهامداران و ذینفعان را حل نمایند.

حساس یگانه و برزگر (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به بررسی راهبری شرکتی، مسئولیت اجتماعی شرکتی و نظریه‌های حسابداری پرداختند. آنها بیان کردند که رهبران شرکت‌ها با وظیفه‌های پویا و چالش برانگیز در زمینه‌ی استانداردهای اخلاقی اجتماعی با هدف عملیات تجاری مسئولانه مواجه هستند. آنها در این مقاله به بررسی مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری پرداختند. آنها بیان کردند که شرکت‌ها، واکنش‌های مختلفی در جهت پاسخگویی به تقاضاهای جدید دارند، به گونه‌ای که برخی شرکت‌ها فرهنگ سازمانی و حاکمیتی خود را تغییر داده و در نظر گرفتن مسئولیت اجتماعی، شرکت‌ها را به عنوان هسته اصلی فعالیت‌های تجاری پذیرفته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که ارتباط مثبت بین تلاش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و عملکرد مالی به عنوان یک پارادایم جدید در مطالعات مسئولیت اجتماعی در شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد.

مران جوری و علی خانی (۱۳۹۳)، به بررسی رابطه بین سطح افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی با دو سازوکار راهبری شرکتی (سرمایه‌گذاران نهادی و مدیران غیر موظف) در شرکت‌های ایرانی پرداخته‌اند. برای اندازه‌گیری سطح مسئولیت اجتماعی از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. نمونه آماری این پژوهش شامل ۶۶ شرکت فعال در صنایع مختلف طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ است. نتایج این پژوهش نشان داد که بین اندازه شرکت با سطح افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد، اما بین سطح افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی و سرمایه‌گذاران نهادی و مدیران غیرموظف رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. بهارمقدم و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پرداختند. هدف از این بررسی آن بود که با فرض وجود قرارداد اجتماعی بین شرکت‌ها و جامعه‌ای که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند، انتظار می‌رود ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با حاکمیت شرکتی که مجموعه‌ای از قواعد ناظر بر هدایت، کنترل و نظارت شرکت‌ها می‌باشد، بهبود یابد. نتایج این بررسی نشان داد که حاکمیت شرکتی از جمله تمرکز مالکان، درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره و اندازه حسابرس با سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه معنادار وجود دارد.

ساخت و طراحی مدل

مساله باید به‌طور روشنی به یک سیستم منطقی مثل یک شبکه تبدیل شود. این ساختار شبکه را می‌توان از طریق طوفان مغزی، روش دلفی یا هر روش موجه‌ای بدست آورد. در این مقاله ساختار مبتنی بر مطالعه ادبیات پژوهشی پیرامون موضوع و بر مبنای اصول حاکمیت شرکتی شکل گرفته است. در این مرحله مساله مورد نظر به یک ساختار شبکه‌ای که در آن گره‌ها به‌عنوان خوشه‌ها مطرح هستند تبدیل می‌شود. عناصر یک خوشه ممکن است با یک یا تمامی عناصر خوشه‌های دیگر ارتباط داشته باشد (تحت تاثیر باشد یا اثرگذار باشد). در این مقاله با مطالعه ادبیات مساله معیارها و زیر معیارهای تشکیل مدل بدست آمده است. هدف بررسی جایگاه حاکمیت شرکتی از منظر نگاه به سهامداران یا نگاه به ذینفعان در شبکه بانکی ایران است. حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران تفکر اولیه از شکل‌گیری آن و حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذینفعان تفکر اسلامی شکل گرفته از آن و مبتنی بر تئوری ذینفعان است. حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران با تاکید بر ساختار مدیریت، استقلال مدیریت، شفافیت و پاسخگویی مدیریت و حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذینفعان علاوه بر آن با تاکید بر مسئولیت‌های

اجتماعی سازمان و مدیریت می‌باشد. نمودار ۱ این رابطه را نشان می‌دهد. بر این اساس فرضیه اصلی مورد بررسی در این مقاله به شرح زیر است:

فرضیه اصلی: تفاوتی بین استقرار مطلوب حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران و حاکمیت شرکتی مبتنی بر مدیریت ذی‌نفعان نیست.

نمودار ۱: رابطه حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران و حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان



• انصاف

اصل سوم اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی بیان می‌کند که سازمان باید در قالب پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مطلوب در سازمان با تمام سهامداران رفتار یکسانی داشته باشد. به عبارتی چارچوب حاکمیت شرکتی باید سازمان را از رفتار مساوی با همه سهامداران که شامل سهامداران اقلیت و غیرنهادی است، مطمئن نماید و همه سهامداران باید فرصت‌های یکسانی را برای تامین یا جبران حقوقشان در صورت نقض در آن داشته باشند. به عبارتی این اصل بر توزیع یکسان ثروت بین ذی‌نفعان و اعضای زیان‌دیده و جبران آن از محل منابع سازمان می‌پردازد و مبتنی بر آن عدالت و انصاف بین همه افراد درگیر یا ذی‌نفع از سازمان باید برقرار باشد تا از پیاده‌سازی مطلوب این اصل در سازمان اطمینان حاصل گردد. بر این اساس و منطبق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی بخش‌های زیر در قالب عامل انصاف شناسایی شده است. همچنین مبتنی بر این ارقام در این مقاله فرضیه فرعی اول به شرح زیر ارائه شده است.

فرضیه فرعی اول: عامل انصاف در سازمان در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

عامل انصاف
۱. هیات‌مدیره به صورت رسمی مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی برای بررسی عملکرد پنج ساله مدیران مبتنی بر هزینه‌های وارده بر سازمان را مشخص کرده است.
۲. همه کارکنان به سابقه ارزیابی خود دسترسی دارند و امکان ارائه انتقادات و پیشنهادات به سهولت برای آنها فراهم است.
۳. سازمان از سازوکار مناسبی جهت ثبت و پاسخگویی به انتقادات و شکایات سهامداران، مشتریان، کارکنان و سایر ذینفعان برخوردار است.
۴. سهامداران فرصت انجام پرسش و پاسخ از هیئت‌مدیره در مجامع را دارند.
۵. مدیران بخش‌ها در ارتباط با کیفیت عملکرد کارکنان به مدیرعامل یا اعضای هیات‌مدیره گزارش می‌دهند.
۶. در طول پنج سال گذشته پاداش مدیران با نرخ رشدی فراتر از نرخ رشد پاداش کارکنان افزایش نیافته است.

• شفافیت

بیست و نهمین همایش بانکداری اسلامی

افشای اطلاعات و شفافیت یکی از ارکان با اهمیت حاکمیت شرکتی مطلوب است و اصل ۵ اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی به آن پرداخته است. شفافیت افشای کامل و صادقانه اطلاعات در بازار است که بر کارایی و اثربخش بودن بازار موثر است. پونال و شیپر (۱۹۹۹) شفافیت را استانداردهایی که رویدادها، معاملات، قضاوتها و برآوردهای ساختاری صورت‌های مالی را به نمایش می‌گذارد، تعریف کرده است. لویت (۱۹۸۵) شفافیت را استانداردهای مناسب و مطلوب حسابداری می‌داند که صورت‌های مالی تهیه شده را در همان دوره وقوع گزارش نماید و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی شفافیت را افشای به هنگام و دقیق تمام موضوعات مهم از جمله وضعیت مالی، عملکرد، مالکیت و حاکمیت شرکتی معرفی کرده است. به عبارتی شفافیت در راستای پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی شامل اطلاعات مهم در رابطه با اهداف و دستاوردهای مالی و عملیاتی، مالکیت عمده سهام و حق رای، سیاست تعیین حق الزحمه هیأت مدیره و مدیران اجرایی اصلی، اطلاعات در رابطه با هیأت مدیره، فرآیند انتخاب آنها، عضویت آنها در سایر شرکتها، معامله با اشخاص وابسته، عوامل قابل پیش‌بینی ریسک و... است. بر این اساس و منطبق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی بخش‌های زیر در قالب عامل شفافیت شناسایی شده است. مبتنی بر این اقلام در این مقاله فرضیه فرعی دوم به شرح زیر ارائه شده است. فرضیه فرعی دوم: عامل شفافیت در سازمان در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

عامل شفافیت
۱. گزارشات مالی مطابق با استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی به طور سالانه ارائه می‌شود.
۲. هیات مدیره گزارش سه تا پنج ساله عملکرد خود را افشا می‌نماید.
۳. نتایج جلسات هیئت مدیره، کمیته‌های هیئت مدیره و مجامع (عادی و ویژه) به صورت کامل و در اسرع وقت به صورت عمومی (سایت سازمان) اعلام می‌شود.
۴. گزارش سالانه سازمان علاوه بر صورت‌های مالی معمول، شامل ریسک و سایر عواملی است که ممکن است بر تفسیر صورتهای مالی اثر بگذارد.
۵. اطلاعات مربوط به دارایی، معاملات و تعهدات زیر خط ترازنامه به صورت شفاف اعلام می‌شود.
۶. گزارشات مالی توسط شرکت حسابرسی مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد.
۷. اطلاعات مربوط به تمام مبادلات مرتبط به فعالیت‌های سازمان و شرکت‌های وابسته با سهامداران، مدیران و وابستگان آنها اعلام می‌شود.
۸. کلیه اطلاعات سهامداران بالای ۱٪ و سهامداران نهادی به صورت سالانه در سایت سازمان قرار می‌گیرد.
۹. سازمان کلیه اطلاعات مربوط به ساختار تشویقی (پاداش نقدی و غیر نقدی) اعضای هیئت مدیره و مدیران ارشد را اعلام می‌کند.
۱۰. سازمان و شرکت‌های وابسته آن دارای وبسایت مناسب برای انتشار اخبار و اطلاعات آماری به‌روز می‌باشد.

• پاسخگویی

پاسخگویی مسئول دانستن فرد یا افرادی مشخص در قبال وظایف محوله یا به عبارتی دلیل آوردن و دلیل خواستن برای کارهای انجام شده و وظایف انجام نشده است. پاسخگویی تعریف شفاف وظایف محوله، مشخص بودن مسئولیت انجام کارها، تفویض ناپذیر بودن مسئولیت پاسخگویی و مستند و مبتنی بر شواحد بودن پاسخها است (خانزاده، ۱۳۸۸). بونز (۲۰۰۵) سه ویژگی از پاسخگویی شامل تعهد به پاسخگویی، تمایل به پاسخگویی دقیق و درست و قضاوت‌های قابل دفاع در پاسخگویی را

بیست و نهمین همایش بانکداری اسلامی

معرفی کرده است. موزز (۱۹۸۷) بیان می‌کند که با بزرگ شدن شرکت‌ها، مسئولیت پاسخگویی آنها بیشتر و مدیران شرکت‌ها در معرض پاسخگویی به طیف وسیعی از مدعیان قرار می‌گیرند. به موجب رابطه پاسخگویی، پاسخگو ملزم به فراهم آوردن اطلاعات معینی از انجام وظایف محوله به خود است. به عبارتی پاسخگویی رابطه دو طرفه بین پاسخگو و ذی‌نفعان یا پاسخ‌خواهان است که ابعاد مسئولیت‌پذیری پاسخگو را نشان می‌دهد. بر این اساس و مبتنی بر اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی بخش‌های زیر در قالب عامل پاسخگویی شناسایی شده است. مبتنی بر این اقسام در این مقاله فرضیه فرعی سوم به شرح زیر ارائه شده است.

فرضیه فرعی سوم: عامل پاسخگویی در سازمان در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

عامل پاسخگویی
۱. اعضای هیات مدیره و تیم مدیریت اجرایی متفاوت می‌باشند.
۲. جلسات هیئت مدیره حداقل یک بار در هر فصل از سال برگزار می‌شود.
۳. کمیته حسابرسی، حسابرس مستقل را پیشنهاد و با آن در ارتباط است.
۴. کمیته حسابرسی وظیفه نظارت بر حسابرسان داخلی و روشهای آنها را بر عهده دارد.

• مسئولیت‌پذیری

حاکمیت شرکتی ضمن ارائه چارچوب قانونی و مقرراتی برای تعیین روابط و مسئولیت‌های میان اعضای هیات مدیره، مدیر عامل، سهامداران و ذینفعان دیگر، تضمین عملکرد رقابتی لازم برای صحت و سلامت فعالیت‌ها و اطمینان نسبت به رعایت حقوق ذینفعان و ارائه معیارها و سازوکارهای نظارت و کنترل بر فعالیت‌های مدیران را فراهم می‌آورد. پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مطلوب باعث کاهش مشکلات نمایندگی در سازمان شده و مسئولیت‌پذیری مدیران را با کاهش تضاد منافع افزایش می‌دهد. به عبارتی حاکمیت شرکتی توزیع حقوق و مسئولیت‌های ذینفعان مختلف اعم از مدیران، کارکنان، سهامداران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان حقیقی و حقوقی است که از فعالیت‌های شرکت تأثیر و بر آن اثرگذار هستند، می‌باشد. اصل ۶ اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی به مساله مسئولیت‌پذیری هیات مدیره پرداخته و بیان می‌کند که چارچوب حاکمیت شرکتی باید راهنمای راهبردی شرکت، نظارت موثر مدیریت توسط هیات مدیره و پاسخگویی هیات مدیره به سازمان و سهامداران را در بر گیرد. بر این اساس بخش‌های زیر در قالب عامل مسئولیت‌پذیری برای استقرار حاکمیت شرکتی مطلوب در سازمان شناسایی شده است. مبتنی بر این اقسام در این مقاله فرضیه فرعی چهارم به شرح زیر ارائه شده است.

فرضیه فرعی چهارم: عامل مسئولیت‌پذیری در سازمان در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

عامل مسئولیت‌پذیری
۱. هیات مدیره در قبال فعالیت‌های مدیریت ارشد و هزینه‌های ایجاد شده از سوی آنها مسئول است و نسبت به اصلاح و حذف هزینه در طی شش ماه اقدام لازم را صورت می‌دهد.
۲. سازوکار لازم برای برخورد و تنبیه تیم مدیریتی در سازمان، حتی با وجود از دست دادن آنها وجود دارد.
۳. مدیریت ارشد در برابر وظایف تفویض شده به کارکنان زیردست و ایجاد یک ساختار مناسب پاسخگویی مسئولیت دارد.
۴. هیات مدیره و مدیریت ارشد در خصوص توزیع منصفانه منافع میان کارکنان پاسخگو هستند.
۵. هیات مدیره و مدیریت ارشد سازوکار لازم برای تنبیه افراد خاطی در صورت ارتکاب اعمال غیراخلاقی یا وارد نمودن خسارت بر سازمان را طی دوره پنج ساله دارند.

• مسئولیت‌های اجتماعی

مسئولیت‌های اجتماعی سازمان، ابعاد مختلفی شامل کارکنان، مشتریان، محیط زیست، بهداشت و سلامت، آموزش، توسعه روستایی و نهادهای موجود در جامعه را لحاظ می‌کند (زمان خان^{۲۰}، ۲۰۱۰؛ هوانگ^{۲۱}، ۲۰۱۰؛ ساندهو، کاپور^{۲۲}، ۲۰۱۰). برای مسئولیت اجتماعی چهار بعد مشتریان، کارکنان، محیط زیست و نهادهای موجود در جامعه لحاظ شده است. مسئولیت اجتماعی در ارتباط با مشتریان شامل فعالیت‌هایی است که یک شرکت انجام می‌شود تا رضایت مشتریان را تأمین نماید. مسئولیت اجتماعی سازمان در قبال کارکنان قبول مسئولیت اجتماعی برای فعالیت‌های ایمنی و بهداشت و تأمین رفاه و روحیه کارکنان است. مسئولیت‌پذیری محیطی به عنوان یک جنبه مهم مسئولیت اجتماعی شرط لازم برای بقا و موفقیت سازمان است، مسئولیت اجتماعی شامل احساس مسئولیت در رابطه با نهادهای موجود در جامعه است. امروزه این موضوع پذیرفته شده که شرکت‌ها با جوامع و همچنین نهادهای که با آنها در تعامل هستند، در ارتباط و تداوم و بقای آنها به سلامتی، پایداری و موفقیت این نهادها، وابسته است (استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰، ۱۳۸۹). امروزه، مسئولیت اجتماعی شرکتی، بخش جدایی‌ناپذیری از کتب و مقالات مالی اقتصادی جهان تلقی می‌شود و تمایل به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکتی دارند، در حال افزایش است. درحالی‌که، اصطلاح مسئولیت اجتماعی شرکتی نسبتاً جدید به نظر می‌رسد، بررسی آثار و مقالات نشان می‌دهد که این مفهوم در طول چندین دهه، همگام با توسعه‌های اجتماعی، سیاسی و محیط کسب و کار تکامل یافته است. بر این اساس بخش‌های زیر در قالب عامل مسئولیت‌پذیری برای استقرار حاکمیت شرکتی مطلوب در سازمان شناسایی شده است. مبتنی بر این اقلام در این مقاله فرضیه فرعی پنجم به شرح زیر ارائه شده است.

فرضیه فرعی پنجم: عامل مسئولیت‌های اجتماعی در سازمان در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

عامل مسئولیت‌های اجتماعی	
۱.	سازمان سیاست مشخص و شفاف در رابطه با کدهای اخلاقی دارد و آنها را صریح و روشن به اطلاع عموم می‌رساند.
۲.	سازمان دارای سیاست یا فرهنگ مشخصی در مورد سن استخدام کارکنان است.
۳.	سیاست‌های استخدامی سازمان برای تمام کارکنان یکسان اعمال می‌شود.
۴.	سازمان قوانین و مقررات زیست محیطی را به صراحت مورد توجه قرار داده و اعمال می‌نماید.
۵.	سازمان از سازوکار مناسب گزارش‌دهی در بخش‌های مختلف مدیریتی برخوردار است.
۶.	کارکنان می‌توانند شیوه کاری خود را در اعمال وظایف خود مورد استفاده قرار دهند.

پرسشنامه طراحی شده مبتنی بر ابعاد شناسایی شده، بین مدیران و کارشناسان بانکی برای دریافت نظرات آنها پخش شد. پس از جمع‌آوری، ۱۲۹ پرسشنامه از ۱۵۰ پرسشنامه توزیع شده، برای بررسی با استفاده از آزمون مقایسه میانگین چند جامعه (ANOVA) و آزمون‌های پس از تجربه شامل آزمون LSD و در نرم‌افزار SPSS مورد استفاده قرار گرفت.

روش‌شناسی تحقیق

20 Zaman Khan

21 Huang

22 Sandhv, Kapoor

روش تحقیق بر اساس ماهیت آن توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش مدیران بانکی در سطوح مختلف مدیریتی است. دوره زمانی انجام تحقیق سال ۱۳۹۶ است. با توجه به حجم بالای جامعه آماری، با استفاده از نمونه‌گیری نتایج مقاله بررسی و تحلیل شده‌اند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است و در انتخاب نمونه سلیقه شخصی دخیل نبوده است که امکان تعمیم نتایج را می‌دهد. پرسشنامه مقاله نیز مبتنی بر بررسی ادبیات پژوهشی پیرامون موضوع و ساخت مدل شرح داده شده در این مقاله طراحی شده است. سوال اصلی این پژوهش به این شرح است که مبتنی بر اصول حاکمیت شرکتی برای سهامداران و یا برای ذی‌نفعان، استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌های ایران در چه مرحله‌ای است؟ برای این منظور بانک‌ها ایران به سه دسته بانک‌ها دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری تقسیم و ۱۵۰ پرسشنامه بین مدیران بانک‌ها خصوصی (۳۸.۳ درصد از حجم نمونه)، دولتی (۳۹.۶ درصد از حجم نمونه) و موسسات مالی و اعتباری (۲۲.۱ درصد از حجم نمونه) توزیع گردید که از این تعداد ۱۲۹ پرسشنامه پاسخ و برگشت داده شد و در تحلیل و بررسی نتایج مورد استفاده قرار گرفت. برای آزمون پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آن با آزمون ۳۰ پرسشنامه اول جمع‌آوری شده در نرم‌افزار SPSS برابر با ۸۲.۴ درصد بوده است که حاکی از قابل قبول بودن پایایی پرسشنامه است.

تفسیر نتایج

آمار توصیفی نمونه مورد بررسی در بانک‌های خصوصی، دولتی و موسسات مالی و اعتباری به شرح جدول ۱ است. همانطور که آمارها نشان می‌دهند مردان، افراد با سابقه کاری بین ۵ تا ۱۰ سال و تحصیلات کارشناسی ارشد و در سطح کارشناس بیشترین افراد در نمونه‌های مورد بررسی بودند.

جدول ۱: آمار توصیفی اطلاعات عمومی پاسخ‌دهندگان (درصد)

شرح	
جنسیت	
مرد	۶۷.۱
زن	۳۲.۹
سابقه کار	
زیر ۵ سال	۱۵.۲
۵ تا ۱۰ سال	۵۴.۹
۱۰ سال و بالاتر	۲۹.۹
تحصیلات	
کارشناسی	۴۲.۷
کارشناسی ارشد	۴۴.۲
دکتری	۱۳.۱
سمت سازمانی	
مدیر	۲۲.۲
کارشناس ارشد	۷۷.۸

منبع: یافته‌های تحقیق

تحلیل واریانس

بیست و نهمین همایش بانکداری اسلامی

برای تحلیل داده‌ها، سوالات هر بخش با توجه به دسته‌بندی در سه سطح بانک‌های دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری و با استفاده از آزمون مقایسه میانگین چند گروه با یکدیگر مقایسه و تحلیل شده‌اند. فرض صفر در آزمون مقایسه میانگین چند گروه عبارتست از:

$$H_0 = \text{تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود ندارد}$$

$$H_1 = \text{تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد}$$

• بررسی اصل انصاف

برای بررسی سطح پیاده‌سازی انصاف در بانک‌ها فرضیه زیر مطرح شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجرا شده است.

فرضیه فرعی اول: عامل انصاف در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

جدول ۲: آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیر	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل اول	بین‌گروهی	۲	۵.۴۵	۱۷.۰۶	۰.۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰.۳۲	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل دوم	بین‌گروهی	۲	۶.۰۶	۳۹.۲۶	۰.۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰.۱۵	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل سوم	بین‌گروهی	۲	۱۱.۱۱	۲۰.۳۶	۰.۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰.۵۴	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل چهارم	بین‌گروهی	۲	۱۲.۲۴	۲۹.۲۹	۰.۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰.۴۱	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل پنجم	بین‌گروهی	۲	۵.۹۶	۴۰.۷۳	۰.۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰.۱۴	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل ششم	بین‌گروهی	۲	۱۲.۲۴	۲۹.۲۹	۰.۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰.۴۱	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل انصاف، فرض صفر برای هر ۶ عامل معرف انصاف در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به عبارتی میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین اینکه این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک حاکمیت شرکتی در سطح عامل انصاف مطلوب‌تر پیاده شده است، آزمون پس‌از تجربه را انجام داد.

نتایج آزمون پس از تجربه نتایج نشان می‌دهد در سطح معناداری ۵ درصد، تفاوت معناداری در سطح پیاده‌سازی عامل انصاف حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران در بین سه گروه بانک مورد بررسی، وجود دارد. در تحلیل نتایج آزمون پس از تجربه مبتنی بر سطح معناداری و حد بالا و پایین تحلیل انجام می‌شود^{۲۳}. بر این اساس مبتنی بر سطح معناداری فرض مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار بین سه گروه بانک‌های دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری رد می‌شود و تفاوت معناداری در پیاده‌سازی عامل اول انصاف در این سه گروه وجود دارد. سپس مبتنی بر تحلیل نتایج حد بالا و پایین مشاهده می‌شود که در عامل اول انصاف بانک‌های خصوصی در مقایسه با بانک‌های دولتی و بانک‌های دولتی در مقایسه با موسسات مالی و اعتباری وضع بهتری در پیاده‌سازی عامل اول انصاف داشته و هیات‌مدیره به صورت رسمی مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی برای بررسی عملکرد پنج ساله مدیران مبتنی بر هزینه‌های وارده بر سازمان را مشخص کرده است. بررسی عامل دوم نشان می‌دهد که تفاوتی بین بانک‌های خصوصی و دولتی در دسترسی همه کارکنان به سابقه ارزیابی و امکان ارائه انتقادات و پیشنهادات وجود ندارد و بانک‌های دولتی و خصوصی در مقایسه با موسسات مالی و اعتباری این مورد را بهتر پیاده نموده‌اند. نتایج بررسی عامل سوم در میان گروه بانک‌ها مشابه عامل اول است. به عبارتی بانک‌های خصوصی، بانک‌های دولتی و سپس موسسات مالی و اعتباری به ترتیب در راستای پیاده‌سازی سازوکار مناسب جهت ثبت و پاسخگویی به انتقادات و شکایات سهامداران، مشتریان، کارکنان و سایر ذینفعان نحوه عمل مطلوب‌تری داشتند. عامل چهارم بانک‌های خصوص از بانک‌های دولتی و موسسات مالی و اعتباری بهتر عمل کرده و موسسات مالی و اعتباری و بانک‌های دولتی در پیاده‌سازی عامل چهارم تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. عامل پنجم تفاوت معناداری بین موسسات مالی و اعتباری و بانک‌های خصوصی نیست، اما بانک‌های دولتی از دو گروه بانک دیگر بهتر عامل پنجم اصل انصاف را در بانک پیاده نموده‌اند. عامل ششم نیز حاکی از آن است که بین موسسات مالی و اعتباری و بانک‌های دولتی تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بانک‌های خصوصی وضع مطلوب تری در پیاده‌سازی رشد پاداش پنج سال گذشته مدیران با نرخ رشدی هم‌تراز با نرخ رشد پاداش کارکنان داشته است.

• بررسی اصل شفافیت

برای بررسی سطح پیاده‌سازی شفافیت در بانک‌ها فرضیه زیر مطرح شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجرا شده است.

فرضیه فرعی دوم: عامل شفافیت در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

جدول ۳: آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیر	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل اول	بین گروهی	۲	۶.۳۸	۱۵.۰۰	۰.۰۰۰
	درون گروهی	۱۲۷	۰.۴۲۵	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل دوم	بین گروهی	۲	۲۳.۶۳	۴۷.۲۷	۰.۰۰۰
	درون گروهی	۱۲۷	۰.۵۰۰	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل سوم	بین گروهی	۲	۱۲.۸۷۶	۱۰.۴۵	۰.۰۰۰

^{۲۳} هر گاه حد پایین و بالا مثبت باشند، میانگین از مقدار آزمون بزرگتر است. هر گاه حد پایین و بالا منفی باشد، میانگین از مقدار مورد آزمون کوچک‌تر است و هر گاه حد پایین منفی و حد بالا مثبت باشد یا بالعکس، میانگین با مقدار مورد آزمون تفاوت معناداری ندارد.

بیست و نهمین همایش بانکداری اسلامی

			۱۲۷	۱۵۶.۴۴	درون گروهی	
--	--	۱.۲۳۲	۱۲۷	۱۵۶.۴۴	درون گروهی	
			۱۲۹	۱۸۲.۱۹	جمع	
--	--	--	۱۲۹	۱۸۲.۱۹	جمع	
۰.۰۵۶	۲.۹۵۱	۲.۲۱۱	۲	۴.۴۲	بین گروهی	عامل چهارم
--	--	۰.۷۴۹	۱۲۷	۹۵.۱۸	درون گروهی	
			۱۲۹	۹۹.۶۰	جمع	
--	--	--	۱۲۹	۹۹.۶۰	جمع	
۰.۰۰۰	۳۹.۲۶	۶.۰۶۱	۲	۱۲.۱۲	بین گروهی	عامل پنجم
--	--	۰.۱۵۴	۱۲۷	۱۹.۶۰	درون گروهی	
			۱۲۹	۳۱.۷۳	جمع	
--	--	--	۱۲۹	۳۱.۷۳	جمع	
۰.۰۰۰	۳۲.۷۵	۵.۰۵۸	۲	۱۰.۱۱	بین گروهی	عامل ششم
--	--	۰.۱۵۴	۱۲۷	۱۹.۶۰	درون گروهی	
			۱۲۹	۲۹.۷۲	جمع	
--	--	--	۱۲۹	۲۹.۷۲	جمع	
۰.۰۰۱	۷.۰۲۸	۵.۲۶۷	۲	۱۰.۵۳	بین گروهی	عامل هفتم
--	--	۰.۷۵۰	۱۲۷	۹۵.۱۸	درون گروهی	
			۱۲۹	۱۰۵.۷۲	جمع	
--	--	--	۱۲۹	۱۰۵.۷۲	جمع	
۰.۰۰۴	۵.۸۷۳	۱.۵۲۵	۲	۳.۰۵	بین گروهی	عامل هشتم
--	--	۰.۲۶۰	۱۲۷	۳۲.۹۸	درون گروهی	
			۱۲۹	۳۶.۰۳	جمع	
--	--	--	۱۲۹	۳۶.۰۳	جمع	
۰.۰۰۰	۱۷.۱۱	۹.۷۲	۲	۱۹.۴۴	بین گروهی	عامل نهم
--	--	۰.۵۶۸	۱۲۷	۷۲.۱۳	درون گروهی	
			۱۲۹	۹۱.۵۶	جمع	
--	--	--	۱۲۹	۹۱.۵۶	جمع	
۰.۰۰۰	۲۸.۲۷	۱۲.۵۳	۲	۲۵.۰۷	بین گروهی	عامل دهم
--	--	۰.۴۴	۱۲۷	۵۶.۳۱	درون گروهی	
			۱۲۹	۸۱.۳۹	جمع	
--	--	--	۱۲۹	۸۱.۳۹	جمع	

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل شفافیت، فرض صفر برای هر ۱۰ عامل معرف شفافیت در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به عبارتی میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین اینکه این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک حاکمیت شرکتی در سطح عامل شفافیت مطلوب‌تر پیاده شده است، آزمون پس‌از تجربه را انجام داد. نتایج آزمون پس از تجربه در سطح معناداری ۵ درصد نشان می‌دهد تفاوت معناداری در سطح پیاده‌سازی عامل شفافیت حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران در بین سه گروه بانک مورد بررسی، وجود دارد. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که عامل اول، سوم، هشتم، نهم و دهم بین موسسات مالی و اعتباری و بانک‌های دولتی در پیاده‌سازی اصل شفافیت تحت عامل‌هایی که معرف شفافیت در بانک هستند، تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بانک‌های خصوصی در سطح مطلوب‌تری از دو گروه دیگر بانک این عامل‌ها را پیاده نموده‌اند. از سوی دیگر نتایج بررسی عامل دوم، ششم و هفتم نشان می‌دهد که بانک‌های خصوصی، بانک‌های دولتی و موسسات مالی و اعتباری به ترتیب به نحوه مطلوب‌تری این عامل‌ها را پیاده نموده‌اند و نتایج بررسی عامل چهارم نشان می‌دهد که بین بانک‌های خصوصی و دولتی تفاوت معناداری وجود ندارد و این دو در مقایسه با موسسات مالی و اعتباری سطح مطلوب‌تری از اصل شفافیت حاکمیت شرکتی را پیاده نموده‌اند. همچنین تحلیل نتایج عامل پنجم نیز نشان می‌دهد که هر سه گروه بانک‌ها در پیاده‌سازی و ارائه اطلاعات مربوط به دارایی، معاملات و تعهدات زیر خط ترازنامه، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

بیست و نهمین همایش بانکداری اسلامی

• بررسی اصل پاسخگویی

برای بررسی سطح پیاده‌سازی پاسخگویی در بانک‌ها فرضیه زیر مطرح شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجرا شده است.
فرضیه فرعی سوم: عامل پاسخگویی در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

جدول ۴: آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیر	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل اول	بین‌گروهی	۲	۲۰۵۲	۳۶۰۹	۰۰۳۰
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰۵۶۹	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل دوم	بین‌گروهی	۲	۰۳۰۳	۱۴۶۴	۰۲۳۵
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰۲۰۷	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل سوم	بین‌گروهی	۲	۶۷۷۱	۵۷۸۲	۰۰۰۴
	درون‌گروهی	۱۲۷	۱۱۷۱	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل چهارم	بین‌گروهی	۲	۲۰۵۲	۳۶۰۹	۰۰۳۰
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰۵۶۹	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل انصاف، فرض صفر برای هر ۶ عامل معرف انصاف در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به عبارتی میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین اینکه این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک حاکمیت شرکتی در سطح عامل انصاف مطلوب‌تر پیاده شده است، آزمون پس‌از تجربه را انجام داد. نتایج آزمون پس از تجربه در سطح معناداری ۵ درصد، نشان می‌دهد تفاوت معناداری در سطح پیاده‌سازی عامل پاسخگویی حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران در بین سه گروه بانک مورد بررسی، وجود دارد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در هر چهار عامل بانک‌های خصوصی وضعیت مطلوب‌تری در پیاده‌سازی عامل پاسخگویی داشته و اصل پاسخگویی حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی بهتر پیاده شده و موسسات مالی و اعتباری در رده سوم قرار دارند.

• بررسی اصل مسئولیت‌پذیری

برای بررسی سطح پیاده‌سازی مسئولیت‌پذیری در بانک‌ها فرضیه زیر مطرح شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجرا شده است.

بیست و نهمین همایش بانکداری اسلامی

فرضیه فرعی اول: عامل مسئولیت‌پذیری در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

جدول ۵: آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیر	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل اول	بین‌گروهی	۲	۲۸.۷۰	۱۱۰.۹۵	۰.۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰.۲۵۹	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل دوم	بین‌گروهی	۲	۱۷.۳۷	۶۳.۳۵	۰.۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰.۲۷۴	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل سوم	بین‌گروهی	۲	۶.۳۰۸	۱۴.۳۶	۰.۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰.۴۳۹	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل چهارم	بین‌گروهی	۲	۱۷.۳۷۳	۶۳.۳۵	۰.۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰.۲۷۴	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل پنجم	بین‌گروهی	۲	۱۰.۵۴۷	۲۷.۷۳	۰.۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۲۷	۰.۳۸۰	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل انصاف، فرض صفر برای هر ۶ عامل معرف انصاف در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به عبارتی میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین اینکه این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک حاکمیت شرکتی در سطح عامل انصاف مطلوب‌تر پیاده شده است، آزمون پس‌از تجربه را انجام داد. نتایج آزمون پس از تجربه نشان می‌دهد در سطح معناداری ۵ درصد، تفاوت معناداری در سطح پیاده‌سازی عامل مسئولیت‌پذیری حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران در بین سه گروه بانک مورد بررسی، وجود دارد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در عامل اول و پنجم بانک‌های خصوصی، دولتی و موسسات مالی و اعتباری، در عامل دوم و چهارم بانک‌های خصوصی ابتدا و تفاوتی بین بانک‌های دولتی و موسسات مالی و اعتباری وجود ندارد و در عامل دوم بانک‌های خصوصی، موسسات مالی و اعتباری و سپس بانک‌های دولتی، به ترتیب سطح مطلوب‌تری در پیاده‌سازی اصل مسئولیت‌پذیری حاکمیت شرکتی در بانک داشته‌اند.

• بررسی اصل مسئولیت‌پذیری اجتماعی

برای بررسی سطح پیاده‌سازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بانک‌ها فرضیه زیر مطرح شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجرا شده است.

فرضیه فرعی اول: عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

جدول ۶: آزمون مقایسه میانگین جامعه

بیست و نهمین همایش بانکداری اسلامی

متغیر	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل اول	بین گروهی	۲	۸.۶۰	۲۲.۹۱	۰.۰۰۰
	درون گروهی	۱۲۷	۰.۳۷	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل دوم	بین گروهی	۲	۱۲.۷۲	۲۲.۷۲	۰.۰۰۰
	درون گروهی	۱۲۷	۰.۵۶	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل سوم	بین گروهی	۲	۲۸.۷۰	۱۱۰.۹۵	۰.۰۰۰
	درون گروهی	۱۲۷	۰.۲۵	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل چهارم	بین گروهی	۲	۳.۷۰	۸.۶۹	۰.۰۰۰
	درون گروهی	۱۲۷	۰.۴۲	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل پنجم	بین گروهی	۲	۸.۶۰	۲۲.۹۱	۰.۰۰۰
	درون گروهی	۱۲۷	۰.۳۷	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
عامل ششم	بین گروهی	۲	۸.۹۵	۱۵.۲۸	۰.۰۰۰
	درون گروهی	۱۲۷	۰.۵۸	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل انصاف، فرض صفر برای هر ۶ عامل معرف انصاف در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به عبارتی میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین اینکه این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک حاکمیت شرکتی در سطح عامل انصاف مطلوب‌تر پیاده شده است، آزمون پس از تجربه را انجام داد. نتایج آزمون پس از تجربه نشان می‌دهد در سطح معناداری ۵ درصد، تفاوت معناداری در سطح پیاده‌سازی عامل انصاف حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران در بین سه گروه بانک مورد بررسی، وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که در هر ۶ عامل، بانک‌های خصوصی در پیاده‌سازی مسئولیت‌های اجتماعی بانک و برقراری حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان مطلوب‌تر عمل نموده و بانک‌های دولتی و موسسات مالی و اعتباری یا تفاوت معناداری نداشته یا در برخی عوامل بانک‌های دولتی و در برخی دیگر موسسات مالی و اعتباری نتایج مطلوب‌تری داشته‌اند. همچنین در پیاده‌سازی عامل پنجم «سازمان از سازوکار مناسب گزارش‌دهی در بخش‌های مختلف مدیریتی برخوردار است»، همه بانک‌ها در یک سطح بوده و تفاوت معناداری بین آنها وجود ندارد.

• بررسی استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی سهامداران یا ذی‌نفعان

در این بخش برای بررسی سطح استقرار حاکمیت شرکتی در گروه بانک‌ها (در سطح سهامداران یا در سطح ذی‌نفعان) به بررسی این مساله پرداخته شده است و برای بررسی آن در بانک‌ها فرضیه زیر مطرح شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجرا شده است.

بیست و نهمین همایش بانکداری اسلامی

فرضیه اصلی: حاکمیت شرکتی در سطح سهامداران با حاکمیت شرکتی در سطح ذی نفعان در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی پیاده سازی شده است و تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

جدول ۷: آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیر	مجموع مربع ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران	بین گروهی	۲	۵.۳۲	۳۴.۷۶	۰.۰۰۰
	درون گروهی	۱۲۷	۰.۱۵	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--
حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی نفعان	بین گروهی	۲	۶.۴۶	۲۸.۸۳	۰.۰۰۰
	درون گروهی	۱۲۷	۰.۲۲	--	--
	جمع	۱۲۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون مقایسه میانگین حاکی از آن است که در استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران یا ذی نفعان در سه گروه بانک‌های دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. به عبارتی میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و موسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین اینکه این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک حاکمیت شرکتی در سطح عامل انصاف مطلوب‌تر پیاده شده است، آزمون پس از تجربه را انجام داد.

نتایج آزمون پس از تجربه در جدول نشان داده شده است. همانطور که نتایج مندرج در جدول نشان می‌دهد در سطح معناداری ۵ درصد، تفاوت معناداری در سطح پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران یا ذی نفعان در بین سه گروه بانک مورد بررسی، وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که بانک‌های خصوصی سطح مطلوب‌تری از حاکمیت شرکتی چه در سطح ذی نفعان چه در سطح سهامداران را پیاده نموده که البته نتایج بررسی پیاده‌سازی اصول حاکمیت شرکتی نیز این مساله را تایید می‌کند، اما پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در بانک‌های دولتی و موسسات مالی و اعتباری در یک سطح بوده و تفاوت معناداری بین این دو گروه در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی دیده نمی‌شود.

جدول ۸: آزمون حداقل تفاوت معنادار به عنوان یک آزمون پس تجربه

متغیر وابسته	گروه i	گروه j	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری	فاصله اطمینان	
						حد بالا	حد پایین
حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران	موسسات مالی و اعتباری	بانک‌های دولتی	-۰.۱۹۴	۰.۰۹۲	۰.۰۳۷	-۰.۳۷۶	-۰.۰۱۱
		بانک خصوصی	-۰.۶۹۲	۰.۰۹۲	۰.۰۰۰	-۰.۸۷۴	-۰.۵۱۰
	بانک‌های دولتی	موسسات مالی و اعتباری	۰.۱۹۴	۰.۰۹۲	۰.۰۳۷	۰.۰۱۱	۰.۳۷۶
		بانک‌های خصوصی	-۰.۴۹۸	۰.۰۷۷	۰.۰۰۰	-۰.۶۵۱	-۰.۳۴۵
	بانک‌های خصوصی	موسسات مالی و اعتباری	۰.۶۹۲	۰.۰۹۲	۰.۰۰۰	۰.۵۱۰	۰.۸۷۴
		بانک‌های دولتی	۰.۴۹۸	۰.۰۷۷	۰.۰۰۰	۰.۳۴۵	۰.۶۵۱
حاکمیت شرکتی	موسسات مالی و اعتباری	بانک‌های دولتی	-۰.۱۹۶	۰.۱۱۱	۰.۰۸۰	-۰.۴۱۶	-۰.۰۲۴
		بانک خصوصی	-۰.۷۵۵	۰.۱۱۱	۰.۰۰۰	-۰.۹۷۵	-۰.۵۳۴

بیست و نهمین همایش بانکداری اسلامی

مبتنی بر ذی‌نفعان	بانک‌های دولتی	موسسات مالی و اعتباری	۰.۱۹۶	۰.۱۱۱	۰.۰۸۰	-۰.۰۲۴	۰.۴۱۶
		بانک‌های خصوصی	-۰.۵۵۸	۰.۰۹۳	۰.۰۰۰	-۰.۷۴۴	-۰.۳۷۳
	بانک‌های خصوصی	موسسات مالی و اعتباری	۰.۷۵۵	۰.۱۱۱	۰.۰۰۰	۰.۵۳۴	۰.۹۷۵
		بانک‌های دولتی	۰.۵۵۸	۰.۰۹۳	۰.۰۰۰	۰.۳۷۳	۰.۷۴۴

نتیجه‌گیری

حاکمیت شرکتی به عنوان راهکاری برای ایجاد کنترل و برقراری توازن بین منافع مدیران و سهامداران، کاهش هزینه‌های نمایندگی، مقابله با سود و ایجاد ارزش برای شرکت‌ها تعریف می‌شود. به عبارتی هزینه‌های نمایندگی سرآغاز شکل‌گیری حاکمیت شرکتی است و آن با حفظ تعادل در بین اهداف اجتماعی، اقتصادی، فردی و جمعی به استفاده کارآمد از منابع و پاسخگویی سازمان‌ها کمک می‌کند. مهمترین هدف حاکمیت شرکتی همسویی منافع بین مدیران و سهامداران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. بر این اساس چهار اصل شامل انصاف، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری معرف حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران و حفاظت از منافع سهامداران است، اما اخیراً و مبتنی بر متون اسلامی هدف حاکمیت شرکتی مبتنی بر رعایت حقوق تمامی ذی‌نفعان و رعایت اصولی توازن بین آزادی مدیریت و پاسخگویی و رعایت حقوق ذی‌نفعان مطرح شده است و با توجه به آنکه بانک‌های ایران مبتنی بر شریعت اسلامی فعالیت می‌کنند، سطح استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران یا ذی‌نفعان در این مقاله مورد توجه قرار گرفت و با استفاده از ۱۲۹ پرسشنامه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. پرسشنامه‌های بررسی شده در این مقاله با مطالعه ادبیات مساله و منطبق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی طراحی و معیارها و زیر معیارهای تشکیل مدل بدست آمد. برای این منظور در سطح حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران چهار اصل شامل انصاف (۶ پرسش)، شفافیت (۱۰ پرسش)، پاسخگویی (۴ پرسش) و مسئولیت‌پذیری (۵ پرسش) مطرح و در سطح حاکمیت شرکتی مبتنی بر ذی‌نفعان با اضافه نمودن اصل مسئولیت‌های اجتماعی (۶ پرسش) و در قالب فرضیه اصلی عدم تفاوت معنادار بین استقرار مطلوب حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران و حاکمیت شرکتی مبتنی بر مدیریت ذی‌نفعان و پنج فرضیه فرعی به بررسی و تحلیل نتایج بدست آمده از پرسشنامه پرداخته شد. نتایج حاکی از آن است که در هر پنج اصل بانک‌های خصوصی در مقایسه با بانک‌های دولتی و موسسات مالی و اعتباری وضع مطلوب‌تری در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی داشته و با توجه به آنکه بانک‌های خصوصی در سطح مطلوب‌تری اصل مسئولیت‌های اجتماعی حاکمیت شرکتی را پیاده نموده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که سطح حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی در سطح مطلوب و در سطح ذی‌نفعان قرار دارد و از سطح سهامداران فراتر است، اما حاکمیت شرکتی در موسسات مالی و اعتباری و در بانک‌ها در سطح سهامداران استقرار یافته است و ضرورت دارد بانک‌های دولتی و موسسات مالی و اعتباری با بازنگری نحوه عمل خود در ارتباط با پیاده‌سازی اصول حاکمیت شرکتی در بانک، سطح استقرار حاکمیت شرکتی را ارتقا و آن را به سطح ذی‌نفعان برسانند.

منابع

- بهار مقدم، مهدی، صادقی، زین العابدین، صفرزاده، ساره، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه‌ی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، سال پنجم، شماره ۲۰، ص ۹۰-۱۰۷.
- حساس یگانه، یحیی؛ باغومیان، رافیک، ۱۳۸۴، حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی، حسابدار رسمی، شماره ویژه، دی ۱۳۸۴.
- حساس یگانه، یحیی، برزگر، قدرت اله، (۱۳۹۳)، مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکتها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره بیست و دوم، ص ۱۰۹-۱۳۳.
- سلیمانی، غلامرضا؛ مقدسی، مینا. (۱۳۹۳). «نقش کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در بهبود نظام راهبری (حاکمیت شرکتی)». مجله پژوهش حسابداری، شماره ۱۲، صص ۶۳-۷۷.
- کاشف‌بهرامی، فرهنگ. (۱۳۹۲). «راهبری شرکتی، نقش هیئت مدیره و ارتباط آن با عدم تقارن اطلاعاتی و حسابرسی داخلی». مجله حسابدار رسمی، شماره ۳۶، صص ۵۸-۶۸.
- کرمی، غلامرضا. بیک بشرویه سلمان، ۱۳۹۰، راهبری شرکتی و ارزشیابی شرکت: مدلی با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۸، شماره ۶۴.
- مجتهدزاده، ویدا؛ انی‌عشری، حمیده. (۱۳۹۱). «رابطه خصوصی‌سازی، سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و اصلاح قوانین و مقررات با هزینه‌های نمایندگی در بنگاه‌های سابقاً دولتی». پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال ۲، شماره ۱، صص ۱-۲۰.
- نمازی، محمد و شهلا ابراهیمی. ۱۳۹۲. بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیأت مدیره بر کارایی فنی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، شماره ۱۲.

- Andrei Shleifer, Robert W. Vishny, 1996, A Survey of Corporate Governance, NBER Working Paper No. 5554.
- Bernard S. Black, Hasung Jang, Woochan Kim, 2006, Does Corporate Governance Predict Firms' Market Values? Evidence from Korea, Journal of Law, Economics, and Organization, Vol. 22, No. 2, Fall 2006.
- Bhaduri, S. and Selarka, E. (2016), "Corporate Governance and Corporate Social Responsibility of Indian Companies, CSR, Sustainability, Ethics & Governance", Springer Science, PP. 87-113
- Dawkins, J., & Lewis, S. (2003). CSR in Stakeholder Expectations: And Their Implication for Company Strategy. Journal of Business Ethics, 44(2), 185-193.
- Iqbal, M., & Molyneux, P. (2005). Thirty Years of Islamic Banking: History, Performance and Prospects. New York: Palgrave Macmillan
- Iqbal, Z., & Mirakhor, A. (2004). Stakeholders Model of Governance in Islamic Economic System. Islamic Economics Studies, 112(2), 4363.
- Islamic and Mainstream Approaches. London: Asean Academic Press.
- Li Sun, Martin Stuebs, Jr., (2014), Corporate Governance and Environmental Activity: Data availability: All data used in this study are available from public sources. , in Martin Freedman, Bikki Jaggi (ed.) Accounting for the Environment: More Talk and Little Progress (Advances in Environmental Accounting & Management, Volume 5) Emerald Group Publishing Limited, pp.81 – 113.
- Llewellyn, DT (2001) A Regulatory Regime and the New Basel Accord, Journal of Financial Regulation and Compliance, 9(4), pp.327-338, ISSN: 1358-1988.
- Maignan, I., & Ferrell, O. C. (2004). Corporate Social Responsibility and Marketing: An Integrative Framework. Journal of the Academy of Marketing Science, 32(1), 3-19.
- Organization for Economic Cooperation and Development, 2004, Principles of Corporate Governance.
- Paul A. Gompers, Joy L. Ishii, Andrew Metrick, 2003, Corporate Governance and Equity Prices, Quarterly Journal of Economics, Vol. 118, No. 1, pp. 107-155, February 2003
- Razek, M.A. (2014), "The association between corporate social responsibility disclosure and corporate governance – a survey of Egypt", Research Journal of Finance and Accounting, 5(1), 93-98
- Roshayani Arshad, Siti Noor Azmawaty Abdul Razak, 2011, Corporate social responsibility disclosure and interaction effects of ownership structure on firm performance, Conference: Conference: Business, Engineering and Industrial Applications (ISBEIA), DOI: 10.1109/ISBEIA.2011.6088785 .
- TIROLE, J. (1999), Incomplete Contracts: Where Do We Stand, Econometrics, vol. 67, 741-781.
- TIROLE, J. (2001), Corporate Governance, Econometrics, Vol. 69, No. 1., pp. 1-35

- Wolfgang Drobetz , Andreas Schillhofer , Heinz Zimmermann, 2004, Corporate Governance and Expected Stock Returns: Evidence from Germany, European financial management, Volume10, Issue2, <https://doi.org/10.1111/j.1354-7798.2004.00250.x>.